

« نامهٔ ماهانه ادبی ، تاریخی ، عامی ، اجتماعی »

آرمان

شماره - نهم

آذرماه

۱۳۵۳

سال پنجاه و ششم

دوره - چهل و سوم

شماره - ۹

تاسیس بهمن ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحیدزاده دستگردی - نسیم)

(دبیر اول : محمد وحید دستگردی)

نگارش : اسقف اعظم آرداک مانوکیان

پیشوای مذهبی آرامنه در تهران

ترجمه : دکتر هراند قو کاسیان

جنبه‌های تاریخی و باستانشناسی

(نمازخانه آرامنه در تهران)

نمازخانه‌های آرامنه در تهران ، مانند نمازخانه‌های آذربایجان و جلفای اصفهان دارای اهمیت تاریخی و باستانشناسی نیستند ، بهمین لحاظ کمتر در بارهٔ آنها سخن رفته و نوشته‌ها تنظیم شده است ، آنچنانکه اکثرآ ، از تعداد ، چگونگی بنا ، تاریخ تأسیس و وضع کنونی این نمازخانه‌ها آگاهی چندانی ندارند .

هرگاه به اوضاع و احوال آرامنه ایران در قرون گذشته بویژه آرامنه ساکن در مناطق ارمنی نشین آن نظر افکنیم ، خواهیم دید که آرامنه تهران با مقایسه با آرامنه دیگر شهرهای ایران امتیاز خاصی نداشته‌اند و شهر تهران تا اوایل قرن هیجدهم شهری بی‌نشان و کم اهمیت بشمار میرفته است .

در سال ۱۷۸۵ آقا محمدخان قاجار سرسلسله سلاطین قاجار به تهران را بعنوان پایتخت خود برگزید .

در زمان ناصرالدین شاه ، این شهر شروع به پیشرفت و توسعه نمود . اما در زمان سلطنت اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر بنیانگذار ایران نوین و بویژه در عصر پرافتخار پادشاهی شاهنشاه آریامهر رهبر فرزانه و پرتوان ملت ایران بود که شهر تهران بتحولات شگرف و پیشرفتهای عظیم نائل شد .

در سال ۱۸۰۶ میلادی تهران دارای سی هزار نفوس بود ولی امروز جمعیت آن به سه میلیون و نیم نفر تخمین زده میشود .

در میان سالهای ۱۷۹۰ تا ۱۷۹۵ بود که تعداد قلیلی از آرامنه در تهران سکنی گزیدند . آقا محمدخان قاجار از حوالی قره باغ و گرجستان و ارمنستان دهها خانوار ارمنی را به تهران آورد و در محله دروازه قزوین جای داد. در سال ۱۷۹۸ بدستور فتحعلیشاه عده‌یی از صنعتگران و پیشه‌وران آرامنه جلفای اصفهان و تبریز به تهران راه یافتند و در اراضی اطراف حضرت شاه عبدالعظیم و دروازه قزوین مستقر شدند .

در سال ۱۸۷۰ از طرف آرامنه مدرسه‌یی در محل دروازه قزوین تأسیس یافت . در همین زمان در تهران سی خانوار ارمنی زندگی میکردند در سال ۱۸۷۱ آنگاه که میسیونرهای آمریکائی در تهران راه یافتند دو مدرسه احداث کردند که در آن شصت نفر محصل ارمنی مشغول تحصیل شدند .

سپس دو تن از رهبانان کاتولیک به فکر افتادند تا مدرسه‌ای برای تحصیل دختران ارمنی تأسیس نمایند. اما به‌همت چندتن از جوانان، به منظور پیشگیری از تغییر یافتن فرقه مذهبی ارامنه، که در آن روزها اقدامات گسترده‌ای از طرف میسیونرها در ایران انجام میگرفت، مدرسه‌یی در تهران بنام هایکازیان تأسیس گردید که بعداً بنام مدرسه داوتیان نامیده شد.

پس از آن، در طی سالهای بعد، جمعیت ارامنه تهران رو به فزونی نهاد و انجمنهای زنان ارامنه، هنر و فرهنگ و انجمن تئاتر و نمایش‌یکی پس از دیگری بوجود آمد. در بین سالهای ۱۸۹۴ - ۱۸۹۷ هفتگی نامه «شارژوم» و در سال ۱۸۹۶ نشریه هفتگی «آستی آرولیان» انتشار یافت.

در سال ۱۹۲۸ در اذهان ارامنه تهران اندیشهٔ مستقل شدن حوزهٔ مذهبی تهران بوجود آمد. اما این نقشه وقتی پیاده گردید که از سال ۱۹۴۵ بعد بعلت هجوم اهالی روستانشین ارمنی به تهران، جمعیت آنان بطور چشم‌گیر زیاد شد و در اینمدت شورای نمایندگان ارامنه نیز برای رسیدگی بامور نمازخانه و مدارس تشکیل گردید.

در اینجا نظر این نیست که تاریخچه زندگی ارامنه تهران را مورد بررسی قرار دهیم. اگر چه این امر موضوعی است در خورتوجه و مفید ولی مستلزم فرصت بسیار میباشد تا با مطالعهٔ آرشیوهای موجود در خلیفه‌گری تهران اطلاعات جامعتری بدست داد. زیرا از سنهٔ ۱۹۰۰ بعد صورت جلساتی تنظیم گردیده که بطور مرتب و منظم نگاهداری شده و در آنها پیشنهادات و مذاکرات شورای خلیفه‌گری و هیئت نمایندگان ارامنه منعکس میباشد.

جمعیت کنونی ارامنه تهران بالغ بر یکصد و ده هزار نفر بوده و دارای نمازخانه‌های زیر میباشد.

۱ - نمازخانه سورب گورگ:

این نمازخانه در سمت جنوب غربی تهران، در ناحیه دروازه قزوین واقع است. تاریخ بنای آن در سالهای ۱۷۹۰ تا ۱۷۹۵ میلادی که در اوایل به گونه محراب روستائی بوده و در سال ۱۸۸۲ کمی شکل صحیح‌تر و تازه‌تر بخود گرفته و بصورت کنونی درآمده است. در حال حاضر نمازخانه در وسط بازار بوده و در اطراف آن خانه‌های مسکونی ارمنی وجود ندارد. همه ساله در سالروز نام گورگ مقدس در این نمازخانه مراسم دعا و نیایش خاص برقرار میگردد و صدها نفر از مردم با ایمان گردهم جمع میشوند و مراسم زیارت و قربانی بجا می‌آورند. این نمازخانه با اینکه دوران نواحی ارمنی نشین تهران قرار دارد، معذک تمام یکشنبه‌ها در آن دعای قربان برقرار میگردد.

اخیراً با کوشش زنان آرامنه تهران بنام «انجمن دستداران کلیسا» در محوطه این نمازخانه اطاقهائی ساخته شده است که در آن افراد سالخورده بی‌پناه و خانواده‌های مستمند زندگی میکنند. در حیاط نمازخانه تعداد زیادی مزار دیده میشود.

۲ - نمازخانه سورب بارتوقی مووس

این نمازخانه که بنام نمازخانه سورب تادئوس بارتوقی موس نیز معروفست در منطقه حضرت شاه عبدالعظیم یعنی در جنوب شرقی شهر تهران واقع میباشد. بنای آن در سال ۱۸۰۸ بدست ده خانوار ارمنی که بدستور فتحعلیشاه قاجار از جلفای اصفهان برای انجام امور شیشه‌بری قصرهای سلطنتی بتهران آمده بودند انجام گرفته است.

بانی اصلی نمازخانه فردینکو کاریست بنام خاچیک خاچیکیان که مدفنش در مدخل نمازخانه میباشد ، شکل ظاهری این بنا چندان شباهتی با نمازخانه ندارد. در حیاط و ایوان نمازخانه مزارهائی وجود دارد که در آن عده‌ای از رجال بیگانه مانند اسکندر ولیعهد گرجستان ، سفرای کبار ، و شخصیت‌های انگلیسی ، فرانسوی و روسی بخاک سپرده شده‌اند .

این نمازخانه نیز امروز در بازار قرار گرفته و در اطراف آن آرامنه سکونت ندارند فقط در سالروز نام سورب تادئوس - بارتوقی مووس مراسم قربانی و عشای ربانی و برگزار میگردد. با اینکه عبور از بازار پرازدحام و شلوغ و دسترسی به آن خالی از اشکال نیست معذک در روز ویژه تعداد کثیری از اهالی تهران در این مراسم پرشکوه شرکت میجویند .

در سال ۱۹۶۸ رؤسای مجلسین سنا و شورایملی ایران و جمعی از شخصیت های مملکتی از این نمازخانه دیدن کردند .

نمازخانه سورب تادئوس - بارتوقی مووس از کهن ترین نمازخانه های مسیحی تهرانت .

در سال ۱۹۷۰ ضمن رنگ کردن دیوارهای صحن نمازخانه ، بی مقدمه در اثر فروریختن گچ رویه سطحی ، شکل اولیه دیوارها که بر روی آن تصاویر گل‌های رنگین کشیده شده بود پدیدار شد . بوسیله متخصصین فن رویه کلیه دیوار پاک گردید. باز هم تصاویر گل‌های رنگین دیده شد که بر روی آن تصویر پرندگان با چهره هایشان نمایان گردید .

امروز در حفظ و نگاهداری دو نمازخانه فوق الذکر ، از طرف خلیفه گری تهران نهایت مراقبت و کوشش بعمل میآید .

نمازخانه حضرت مریم

از سال ۱۹۳۰ بعد ارامنه تهران، دروازه قزوین و شاه عبدالعظیم محله‌های مسکونی خود را ترك کردند و بادیکر خاواده های تازه وارد به تهران در حوالی «مدرسه کوشش» کنونی استقرار یافتند. در آغاز سالن مدرسه مزبور را بطور موقت بصورت نمازگاه در آوردند. در سال ۱۹۳۳ حریق در سالن نمازگاه اتفاق افتاد و اشیاء، قالی‌ها و لباس‌های نمازخانه طعمه آتش قرار گرفت. در طی این مدت ارامنه تهران کم‌کم بفکر افتادند تا نمازخانه تازه‌ای بسبک معماری ارمنی تأسیس نمایند. در همین زمان مجمع ارامنه تصمیم گرفت نمازخانه‌ای با گنجایش ۱۲۰۰ نفر بنا نماید زیرا رشد جمعیت در این هنگام بر قم چشم‌گیر رسیده بود و روز بروز نیز افزون‌تر می‌شد. طبعاً داشتن نمازخانه‌یی با چنین گنجایش مستلزم هزینه گزاف بود و از نظر اقتصادی نیز مشکلاتی در برداشت. با وجود همه اینها، نقشه نمازخانه تهیه شد و از طرف مقامات شهری نیز بتصویب رسید.

در این اثنا آقای رومان یسائف اظهار تمایل کرد تا در بنای این نمازخانه با تخصیص دادن مبلغی هنگفت سهمی گردد مشروط بر اینکه نمازخانه بیادبود مادرش مرحومه «زاردار» تأسیس شود. جامع علوم انسانی

بعداً این مرد خیر کلیه هزینه و خرج‌های دیگر بنای این نمازخانه را بعهده گرفت اما این بار مساحت پیش‌بینی شده زیر بنا کمتر از سابق بود. در سال ۱۹۳۸ برنامه بنیانگذاری نمازخانه بر مبنای نقشه جدیدی پیاده گردید و نمازخانه جدید الاحداث بدست شادروان گاره‌گین کاتونمیگوس بنام نمازخانه حضرت مریم تقدیس شد و از این زمان ارامنه تهران با اقدام نیکوکارانه رومان یسائف صاحب نمازخانه بزرگ شدند که در حقیقت تنها نمازخانه آنها بشمار می‌رفت.

۴- نمازخانهٔ سورب نارگمانچاتس

از سال ۱۹۴۵ بعد در بخش وحیدیه تهران، عدهٔ کثیری از ارامنه بالغ بر بیست هزار نفر سکنی گزیدند. این عده نیز مانند ارامنه دیگر نقاط تهران برای انجام فرائض دینی و امور کلیسایی به نمازخانه حضرت مریم مراجعه مینمودند. فاصلهٔ وحیدیه تا نمازخانه مزبور ۱۵ کیلومتر می‌باشد. در سال ۱۹۶۳ که زلزله‌یی در حومهٔ خرقان بوقوع پیوست و در اثر این واقعهٔ تأسف انگیز خانه‌های مسکونی ارامنه آن سامان نیز دستخوش تخریب و ویرانی قرار گرفت «شورای بین‌المللی کلیساها» پس از شنیدن این خبر بلا درنگ نمایندگان آن از طرف خود برای یاری به آسیب دیدگان به محل گسیل داشت. آنها پس از مطالعات لازم، تصمیم گرفتند که با کمک مالی «شورای بین‌المللی کلیساها» زمین‌هایی از اراضی وحیدیه خریداری و برای سکونت آسیب دیدگان ارمنی خانه‌هایی ساخته شود. چهل و نه دستگاه خانه ساخته شد و به پیشنهاد پیشوای مذهبی ارامنه تهران (نویسنده این سطور) قطعه زمینی نیز برای احداث نمازخانه در این منطقه اختصاص داده شد. اقدامات و مذاکراتی در این خصوص انجام گرفت تا «شورای بین‌المللی کلیساها» هزینه - بنای نمازخانه را تقبل کرد. زیرا این شوراه اصولاً بودجه‌ای برای احداث نمازخانه تخصیص نمیدهد ولی در این مورد با توجه بشرايط محل استثنائاً مبلغ چشمگیری برای این منظور اختصاص داد. نمازخانه سورب نارگمانچاتس بدست پیشوای مذهبی ارامنه تهران انجام یافت.

۵- نمازخانهٔ سورب سرکیس

پس از سازمان گرفتن خلیفه‌گری تهران امور مربوط به این دستگاه در ساختمان و تشکیلات دفتر هیئت اداره‌کننده امور نمازخانه‌ها واقع در جوار

نمازخانه حضرت مریم انجام میگرفت. از دفتر مذکور شورای خلیفه‌گری نیز برای تشکیل جلسات خود استفاده می‌کرد.

در سال ۱۹۴۵ بوسیله «انجمن زنان دوستدار کلیسا» در همان مسحوظه ساختمان کوچکی برای خلیفه‌گری احداث شد ولی این ساختمان برای تشکیل کلاس‌های درس و کتابخانه در اختیار هیئت مدارس قرار گرفت. در سال ۱۹۶۱ اندیشه تأسیس بنای خلیفه‌گری تهران قوت گرفت، پیشوای مذهبی از آقای مارکار سرکیسیان نیکوکار مرد تهران که در آن زمان، در قید حیات بود درخواست کرد تا هزینه بنای این ساختمان را بیادبود عیالش «خانم» تامین کند. از طرف شورای خلیفه‌گری تهران در انتهای خیابان ویلا زمینی برای این منظور خریداری گردید. در این بین مارکار سرکیسیان بدرود حیات گفت پس از آن از فرزندان آقاییان گورگن و وازگن تقاضا شد که بیادبود پدرشان در جوار ساختمان خلیفه‌گری نمازخانه‌یی به‌زینة خودشان تأسیس نمایند. در سال ۱۹۷۰ عمارت خلیفه‌گری احداث شد و ساختمان نمازخانه‌یی که در ماه مه ۱۹۶۴ اولین کلنگ تأسیس آن با تشریفات و مراسم مذهبی خاص بزمین زده شده بود در سال ۱۹۷۰ پایان یافت. بعداً برای تجهیزات و تزئینات نمازخانه‌اعاناتی از دست اندرکاران امور اجتماعی آرامنه جمع‌آوری شد مراسم تقدیس نمازخانه باشکوهی فراوان بوسیله خوردن اول پیشوای مذهبی آرامنه وابسته بدستگاه جاثلیقی خانه بزرگ سیلیسیه انجام گرفت و بنام نمازخانه «سورب سرکیس» نامیده شد.

در خاتمه این مقال باید یادآور شد که در گذشته نه‌چندان دور «قریه ونک» واقع در شمال تهران که جزء حومه شهر بشمار میرفت و امروز بخشی از پایتخت را تشکیل میدهد با داشتن ۳۵ خانوار ارمنی دارای محرابی بنام

سورب منیاس بوده که امروز شم گاهی در آن مجلس دعا و نماز قربان برپا می‌گردد در سالروز نام سورب منیاس مراسم عشای ربانی و نیایش قربان با شرکت زائران ارمنی برقرار میشود.

یکی دیگر از نقاط پرسکونت ارمنه در تهران، منطقهٔ حشمتیه است که در آن متجاوز از هشت هزار نفر ارمنی سکنی دارند. ساکنان آنجا در آغاز سالن بزرگی از يك خانهٔ اجاره‌ای را بصورت نمازگاه درآوردند. در سال ۱۹۶۷ این سالن طعمهٔ آتش شد و امروز برای اهالی این منطقه نیز طرحی در دست اجراست که به کمک «شورای بین‌المللی کلیساها» نمازخانه احداث گردد.

منطقهٔ مجیدیه نیز یکی دیگر از نقاط ارمنی نشین تهرانست که در آن قریب به ده هزار تن ارمنی زندگی می‌کنند. در نظر است که در این منطقه نیز نمازخانه‌یی ساخته شود. بانئ نیکوکار این امر خیر تعهدات خود را انجام داده است و یقین میرود که در آینده نزدیک برنامه تأسیس نمازخانه این منطقه نیز پیاده گردد.

رهبانیت یا زندگانی منتقطع از دنیا و انزوای دردیرها برای راهبان و راهبات در غالب ادیان مخصوصاً در دیانات شرقی نزدهندوان و بودائیان از دیرباز وجود داشته است. قاعده و عمل رهبانیت در دیانت نصاری هم از قرن چهارم میلادی بظهور رسیده و تا عصر حاضر همچنان برقرار و سازمان و تشکیلات گوناگون پیدا کرده است.

(تاریخ ادیان)